**نام مقاله: تحليل استنادي مقاله هاي منتشر شده در 30 شماره فصلنامه "كتابداري و اطلاع رساني" بين سالهاي 1384-1376**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 38 \_ شماره دوم، جلد 10**

**پديدآور: مهدي محمدي، امير متقي دادگر**

**تحليل استنادي مقاله‌هاي منتشر شده در 30 شمارة فصلنامة «كتابداري و اطلاع‌رساني» بين سالهاي 1376ـ1384**

مهدي محمدي[[1]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn1" \o ")

                                                               امير متقي دادگر[[2]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn2" \o ")

**چكيده:**

**به منظور ارزيابي دقيق وضعيت مقاله‌هاي فصلنامه «كتابداري و اطلاع‌رساني» و تبيين الگوي رفتاري محققان اين حوزه، تحقيقي با استفاده از روش تحليل استنادي صورت گرفت. پس از تجزيه و تحليل داده‌ها مشخص شد كه 219 مقاله (165 مقالة تأليفي و 54 مقالة ترجمه‌اي) با ميانگين 3/7 براي هر شماره در قالب 104مقالة نظري و 61 مقالة پيمايشي منتشر شده‌اند كه 165مورد آنها را يك نفر، 29 مورد را دو نفر و 2 مورد را 3 نفر نوشته‌ بودند. 198 نفر محقق در نوشتن اين مقالات همكاري داشتند. مقطع تحصيلي نويسندگان 74 مقاله، كارشناسي ارشد و 63 مقاله، دكتري بود. 1748 استناد در اين مقاله‌ها به كار رفته بود كه ميانگين 9/11 براي هر مقاله تعيين شد. در بين محملهاي اطلاعاتي، مقاله‌ها قبل از كتابها و پايان‌نامه‌ها قرار گرفت و نشان داد كه محققان اين حوزه بيشتر مقاله محور هستند. منابع زبان انگليسي در استنادها با اندكي اختلاف، بالاتر از زبان فارسي قرار گرفت. تعيين نيم عمر داده‌ها نشان داد كه كتابهاي لاتين با 14 سال و 2 ماه و منابع اينترنتي با 4 سال و 5 ماه بيشترين و كمترين نيم عمر را به خود اختصاص داده بودند. به «دانشنامه كتابداري» در بين كتابها و «عباس حري» و «محمدحسين دياني» در بين پديدآورندگان كتابها، «دياني» و «فتاحي» در بخش مقاله‌ها و پايان‌نامة «عصاره» در بخش پايان‌نامه‌ها بيش از همه استناد شده بود. فصلنامه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني با «فصلنامه كتاب» در كنار 3 مجلة ديگر به عنوان مجلات هستة اين رشته در فارسي انتخاب شدند.**

**كليدواژه‌ها: تحليل استنادي، فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني، مقالات تأليفي.**

**مقدمه**

امروزه پژوهشگران براي اينكه نتايج پژوهشهاي خود را سريع و به روز در اختيار ديگران قرار دهند، آنها را به صورت مقاله در نشريات چاپ مي‌كنند. به همين دليل، نشريات در پاسخگويي به نيازهاي محققان جايگاه خاصي دارند. ارزش مجلات، هم در زمان انتشار و هم پس از گذشت زمان، انكارناپذير است. تازه‌ترين اخبار و اطلاعات، قبل از اينكه در كتابها منتشر شوند، در نشريات ادواري از طريق مقاله‌ها، نقدها و آگهي‌ها عرضه مي‌شوند. بسياري از مجلات پيشرو، در حقيقت مجراهاي طبيعي كسب اطلاعات در زمينه‌هاي پژوهشي محسوب مي‌شوند و اكثراً تازه‌ترين اطلاعات را ارائه مي‌كنند.

مقالات منتشر شده در مجلات تخصصي و فني به خاطر تازه بودن، كوتاه بودن، سرعت انتقال نتايج تفكر نويسنده به خواننده، ارزان تر بودن، ارائة مطالب بكر وتازه، تحليل‌هاي بسيار دقيق از موضوع‌هاي پيچيدة علمي و فني، چاپ و توزيع سريع‌تر، دسترسي آسان‌تر، معرفي آخرين پژوهش‌ها، انتقادها و بررسي‌هاي اهل فن و سرانجام تنوع مطالب و شكل ارائه و گاه زبان و بيان سهل تر، معمولاً براي پژوهشگران جذابيت بيشتري داشته و از نظر پژوهش نيز نسبت به كتابهاي علمي، كاربرد بيشتري دارند (تيمورخاني، 1381، ص33).

سنت علمي ايجاب مي‌كند كه هرگاه دانشمند يا فن‌آور مشهوري مقاله‌اي منتشر مي‌كند، بايد خوانندگان خود را به مقالات قبلي كه به موضوع كار وي مربوط مي‌شوند، ارجاع دهد. تصور بر اين است كه اين ارجاعات نشان دهنده آن دسته از محققاني است كه مفاهيم، روشها يا وسايلي كه به كار برده‌اند الهام بخش نويسندة اخير در پديد آوردن مقاله‌اش بوده‌اند. چنين ارجاعهايي رويدادهاي پيشين يك فعاليت را نشان داده و اطلاعات كتابشناختي لازم را در اختيار خواننده‌اي كه مايل است درباره جنبة خاصي از موضوع، اطلاعات بيشتري به دست آورد، قرار مي‌دهند (گارفيلد[[3]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn3" \o ")، 1376، ص136).

به طور كلي، چنين تصور مي‌شود كه بين كيفيت و تعداد استنادهاي مدرك، رابطه‌اي وجود دارد. به عبارت ديگر، هر چه تعداد استنادها به يك مدرك بيشتر باشد، نشان دهندة كيفيت بهتر آن مدرك است (عصاره، 1377، ص 36). با تحليل استنادي مي‌توان دريافت كه «تحولات علمي چگونه صورت مي گيرد و مسيري كه هررشته علمي طيمي‌كند چيست؟» و «الگوي واقعي كسب اطلاعات و يا پخش يافته‌هاي علمي و فني چگونه است؟» از اين دو مورد، اطلاعاتي به دست مي‌آيد كه شامل موارد زير است:

اولاً) دانش‌پژوهان را با جامعه‌شناسي مبادلة اطلاعات علمي آشنا مي‌كند و آنها را قادر مي‌سازد از دانش مكتوب، حداكثر بهره برداري را به عمل آورند.

ثانياً) كتابداران را با مجموعة جامعه‌شناختي مبادله اطلاعات علمي آشنا كرده آنها را قادر مي‌سازد مجموعه‌اي را براي كتابخانه خود فراهم سازند كه در تحولات علمي و فرهنگي جامعه، اثر با ارزشي داشته باشد ( دياني، 1379، ص59).

**بيان مسئله**

كتابخانة مركزي و مركز اسناد آستان قدس رضوي با آثار نفيس و ارزشمند خطي و چاپي به زبانهاي فارسي و عربي و نيز هزاران جلد كتاب و نشريه به زبانهاي خارجي، شهرت جهاني كسب كرده و در شمار مطرح‌ترين كتابخانه‌هاي دنيا به شمار مي‌رود. در اين مدت، براي شناسايي و شناساندن ذخاير گرانسنگ اين گنجينة ارزشمند، كوششهاي قابل توجهي انجام گرفته است. انتشار نشرية علمي به صورت منظم، روشي بود كه مسئولان كتابخانه از سال 1376 آن را آغاز كردند. توجه و عنايت محققان كتابداري سراسر كشور، اين مجله را به يكي از نشريات مطرح و معتبر كشورمان تبديل كرد تا اينكه در تاريخ 6/11/81 بعد از انتشار 19 شماره، از سوي كميسيون بررسي نشريات علمي كشور، درجة «علمي‌ـ ترويجي» دريافت كرد. بعد از مجله‌هاي «كتابداري» و «فصلنامه كتاب»، سومين نشريه‌اي بود كه به اين درجه دست يافته بود؛ با اين تفاوت كه اين مسير را خيلي سريع‌تر از اخلاف ذكر شدة خود طي نمود. قبل از آن، فصلنامه كتاب پس از انتشار 46 شماره توانست به اين موفقيت دست يابد. اينك با گذشت نزديك به يك دهه از فعاليت اين مجله، ارزيابي فعاليتهاي انجام شده براي برطرف نمودن كاستيها و تدوين برنامه‌هاي مناسب براي ارتقا به درجة «علمي ـ پژوهشي» ضروري به نظر مي‌رسيد. تحليل استنادي، از روشهاي علمي و معتبر براي ارزشيابي مقالات يك نشريه به شمار مي‌رود. محققان برآن شدند تا با اين روش، مقالات منتشر شده در اين نشريه را ارزيابي كنند تا الگوي رفتار علمي نويسندگان و وضعيت مقالات ـ اعم از پژوهشي يا مروري و ميزان مشاركت علمي محققان ـ را در تدوين مقالات به شيوه علمي تحليل نمايند. پديدآورندگان مقالات به گونه هاي مختلف به منابع استناد مي‌كنند و اين منابع مي‌تواند از لحاظ نوع محمل، زبان، زمان و جز آن بررسي شوند. در اين پژوهش، استنادهاي مقالات تأليفي نشرية كتابداري و اطلاع‌رساني بررسي شده‌اند تا بدين وسيله الگوي رفتار علمي پژوهشگران و محققان رشته كتابداري و اطلاع‌رساني در استفاده از منابع معيّن شود.

**اهميت پژوهش**

استنادها به رد پاهاي ثابتي شبيه هستند كه مسير اكتشافها و تفكرات علمي را نمايان مي‌كنند. هيچ مقالة علمي بدون استناد به دانش پيشين خود، به تنهايي روي پا نمي‌ايستد. اين امر در طول تاريخ همواره ديده مي‌شود. دانشمندان با قدم نهادن و تكيه بر سكوي دانش پيشينيان، پلكان دانش بشري را بنا نهاده و به صعود خود ادامه مي دهند. طبيعت اين حركت با دقت نظر و تحليل پانويسها و استنادها قابل مشاهده است. نمودار شدن يك مقاله در سياهة مراجع يك سند، بازگوكنندة اين مطلب است كه در ذهن نويسنده بين اثر وي و مقاله‌اي كه به آن در فهرست مآخذ استناد كرده است، ارتباطي وجود دارد. تجزيه و تحليلهايي كه درباره اين ارتباطات صورت مي‌گيرد، مقوله‌اي را به نام «تحليل استنادي»[[4]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn4" \o ") پديد مي‌آورد. با استفاده از «كتابسنجي»[[5]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn5" \o ") و روشهاي مختلف آن مي‌توان انبوه متون و منابع منتشر شده را بر اساس ميزان استفاده رتبه‌بندي نمود، مجلات هسته[[6]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn6" \o ") (پراستفاده) را معرفي كرد و نويسندگان كليدي (پرتوليد) را در حوزة علوم كتابداري و اطلاع‌رساني شناساند و بدين وسيله كمكهاي ارزشمندي به مجموعه‌سازان و جامعه استفاده‌كنندگان كتابخانه‌ها و مراكز اطلاعاتي ارائه كرد، زيرا با شناخت و تهيه مجلات اصلي اين حوزه، مجموعه‌سازان قادر خواهند بود با اشتراك تعداد كمتري از مجلات كه كاربرد و مخاطبان بيشتري دارند، در بودجة كتابخانه صرفه‌جويي كنند و در عين حال، با تهية تعداد مجلات كمتر، فضاي فيزيكي كمتري از كتابخانه اشغال نمايند. استفاده‌كنندگان نيز با شناخت نويسندگان كليدي حوزه‌هاي علمي خويش، مي‌توانند مطالعات خود را هدفمندتر دنبال كنند و فارغ از مطالعة مطالب حاشيه‌اي و نامربوط، با صرف وقت، انرژي و هزينة كمتر، به مطالب ارزشمندتري در حوزه‌هاي علمي دست يابند. همچنين مي‌توان با استفاده از روش تحليل استنادي كه يكي از روشهاي مهم كتابسنجي است، تصويري از ساختار علم ترسيم كرد و بدين ترتيب، فراز و نشيبهاي ساختار علم را مطالعه و ظهور موضوعات علمي جديد را رديابي نمود. (عصاره، 1376، ص 64).

**اهداف پژوهش**

هدف اصلي اين پژوهش، تعيين وضعيت استفاده از منابع در مقالات منتشر شده در 30 شماره از فصلنامة علمي ـ ترويجي فصلنامة كتابداري و اطلاع‌رساني و تعيين الگوي رفتاري نويسندگان مقاله‌هاي كتابداري است.

**اهداف فرعي:**

1.تعيين تعداد مقاله‌هاي تأليفي و ترجمه‌اي

2.تعيين ميزان استناد به انواع محملهاي اطلاعاتي

3.تعيين وضعيت زباني استنادها

4.تعيين نيم عمر انواع منابع مورد استناد

5.تعيين گرايش موضوعي مقالات

6.تعيين وضعيت مقالات پژوهشي و نظري و تعيين ميزان مشاركت و همكاري محققان در انجام تحقيقات گروهي

7.تعيين پركارترين افراد و پر استنادترين نشريات براي تعيين نشريات اصلي كتابداري و اطلاع‌رساني.

**پرسشهاي اساسي پژوهش:**

1.ميزان مقاله‌هاي تأليفي و ترجمه‌اي و ميانگين تعداد استنادهاي مقاله‌ها چقدر است؟

2.توزيع مؤلفان بر اساس جنسيت چگونه است؟

3.توزيع مقالات بر اساس مؤلف فردي و گروهي چگونه است؟

4.ميزان استفاده از انواع محملهاي اطلاعاتي چگونه است؟

5.توزيع استنادهاي مقالات مورد بررسي از نظر زبان چگونه است؟

6.نيم عمر منابع مورد استفاده چقدر است؟

7.كدام منابع بيشتر استفاده مي‌شوند؟

8.پركارترين نويسندگان كدامند؟

9.مجلات اصلي رشتة كتابداري كدامها هستند؟

10.گرايش موضوعي مقالات چگونه است؟

**روش و جامعة پژوهش**

الگوهاي استنادي به كار رفته در متون، مي‌تواند داده‌هاي تشخيص الگوي رفتاري نويسندگان و محققان به شمار رود. براي تعيين الگوي رفتاري محققان، معمولاً از روش تحليل استنادي استفاده مي‌كنند كه خود زيرمجموعه حوزه كتابسنجي است. در اين پژوهش نيز با استفاده از روش تحليل استنادي، تمام مقاله‌هاي منتشر شده در فصلنامة كتابداري و اطلاع‌رساني تجزيه و تحليل شدند. بررسي مقاله‌ها در دو بخش صورت گرفت: بخش اول، شامل سال انتشار، تأليفي يا ترجمه‌اي بودن، انفرادي يا گروهي و نظري يا پيمايشي بودن و موضوع مقاله بود كه تمامي مقالات منتشر شده در اين قسمت بررسي شد؛ بخش دوم، شامل استنادهاي مقاله‌ها بود كه مقاله‌هاي ترجمه‌اي كنار گذاشته شده و ارزيابي نگرديد. براي هركدام از مراحل فوق، فرمهاي خاصي تهيه و اطلاعات كتابشناختي مقالات و استنادها در آن فرمها نوشته شد، سپس داده‌هاي موجود با استفاده از نرم افزار «SPSS» تجزيه و تحليل گرديد.

**محدوديتهاي پژوهش**

برخي نارساييهاي موجود در مآخذ سبب شد كه براي رفع آنها به متون و منابع مرتبط مراجعه شود كه از آن جمله مي‌توان به غفلت مؤلفان از درج اطلاعات كامل كتابشناختي و صرفاً اكتفا به نام مجله يا كتاب، يا عنوان و يا پديدآور اشاره كرد.

**تعاريف مفهومي و تعاريف عملياتي**

تحليل استنادي: در مطالعة استنادي كه امروزه در بررسي روابط مفهومي نوشته‌ها به آن توجه مي‌شود، رابطة ميان مدرك استناد دهنده و مدرك مورد استناد، بررسي مي‌گردد، اگر بكوشيم قواعدي را كه بر اين رابطه حاكم است كشف كنيم، به تحليل استنادي دست زده ايم (امير حسيني، 1371، ص 196؛ تيمورخاني، 1381، ص36؛حري، 1372، ص292).

**استناد:** در اين تحقيق، منظور از استناد، مآخذي هستند كه نويسندگان در فهرست منابع و مآخذ به عنوان منابع تأليف اثر معرفي كرده‌اند.

**نيم عمر:** ارزش مدركي معيّن را كه با كم كردن سال نشر آن از ميانة سالهاي نشر مداركي كه به آن مدرك استناد كرده‌اند تعيين مي‌شود، «نيم عمر» گويند. به عبارت ديگر، مدت زماني كه نيمي از كل منابع استناد شده، در آن زمان انتشار يافته است. هرچه طول اين مدت بيشتر باشد، استناد به منابع روزآمد كمتر است ( تيمورخاني، 1381، ص36).

**پيشينه تحقيق**

**الف) در خارج از ايران**

 «تيو»[[7]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn7" \o ") (1998) با ارزيابي 258 مقاله منتشر شده در «مجله تحقيقات طبيعي رابر»[[8]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn8" \o ") بين سالهاي 1988- 1997دريافت كه 2/63% از مقالات داراي يك يا دو پديدآور بودند (9/27% داراي يك پديدآور و 3/35% داراي دو پديدآور). تحليل استنادهاي مقالات منتشر شده نشان داد كه 53/88% از مقالات داراي 30-1 استناد بودند و 3/9% از مقالات نيز بين 31 تا 50 استناد داشتند. مقالات داراي بيش از 50 استناد بسيار اندك بود. ميانگين استنادها براي هر مقاله 49/16 استناد گزارش شده است. با توجه به بين المللي و علمي بودن مجله و مشاركت محققان و دانشمندان دانشگاهها و دانشكده هاي سراسر جهان، انتظار مي‌رفت انجام فعاليتهاي گروهي بيشتر از آثار فردي باشد. داده‌ها نشان داد 82/36% از مقالات با همكاري محققان هم‌دانشگاهي و 56/13% از مقالات، با همكاري محققان از كشورهاي مختلف تهيه شده بود. 91/27% از مقالات به صورت انفرادي تهيه شده بود. به طور كلي، محققان از 12 كشور در تهية مقالات اين مجله همكاري داشتند كه مالزي با انتشار 28 مقاله، انگلستان با 21 مقاله و فرانسه با 5 مقاله، سه كشور برتر در توليد مقالات بودند. از نظر ميزان مشاركت، محققان مالزي با محققان فرانسه در توليد 7 مقاله، در صدر بودند و محققان مالزي با انگليسيها در توليد 4 مقاله و سري‌لانكا با تايلند در توليد 2 مقاله در رده‌هاي دوم وسوم.

«شريف»[[9]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn9" \o ") و «محمود»[[10]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn10" \o ") (2004) در تحقيقي دو مجلة اصلي اقتصادي پاكستان را تحليل استنادي كردند. آنها ضمن مشاهده مشابهت‌هايي بين دو مجله، دريافتند كه بيش از 50% از مقالات هر دو مجله، مقالات يك مؤلفي هستند و تنها 20% از مقالات با مشاركت 2 پديدآور نوشته شده‌اند. بيش از 50% از استنادها را ارجاع به منابع كتابي تشكيل مي‌داد. البته ارجاع به متون الكترونيكي نيز در بين ارجاعات به چشم مي‌خورد كه درصد آن، بسيار اندك بود. تجزيه و تحليل 5411 استناد در مقالات دو مجله نشان داد كه بين ميانگين استنادها در هر مقاله در اين دو مجله، تفاوتي معنادار ديده نمي‌شود. اما اين ميانگين در استناد مقالات بين سالهاي 1969-70 و 1999-2000 افزايش داشته است. از نظر ميانگين نيم عمر منابع، در بين دو مجله مورد بررسي تفاوتي معنادار مشاهده شد به طوري كه ميانگين نيم عمر مقالات اين دو مجله 16/9 سال و 96/12 سال گزارش شده‌اند. از نظر زبان نشريات ادواري مورد استناد، اولويت با نشريات آمريكايي است.

«ما»[[11]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn11" \o ") و «استرن»[[12]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn12" \o ") (2005) براي تعيين مؤثرترين مقالة مجلات در اقتصاد محيطي و اقتصاد بوم شناختي در فاصلة سالهاي 1994 – 2003 و همچنين مشخص كردن ميزان همپوشاني مقالات اين دو حوزه به تحليل استنادي مقالات 10 سال اخير دو مجلة (JEEM) «Journal of Environmental Economics and Management» و مجلة  (EE) «Ecological Economics» پرداختند. هر دو مجله، از مجله‌هاي معتبر اين حوزه بودند و در بين 171 مجله اقتصادي معرفي شده در سايت «ISI» داراي رتبه هاي 26 و 29 هستند. محققان، تجزيه و تحليل خود را در سه بخش جداگانه ( توضيحات آماري و تحليلي از اطلاعات دو مجله، فهرست مجلات مورد استناد در مقالات اين دو مجله و ارائه فهرستي از مقالات اصلي بر اساس استنادها) تنظيم كردند. يافته‌ها نشان داد از 11957 استناد به كار رفته در استنادهاي 10 ساله مجله JEEM، 7585 ( 44/63%) و 15864 استناد از 33838 (88/46%) استنادهاي به كار رفته در مقاله‌هاي EE مربوط به مجلات بوده است. به عبارت ديگر، بيش از نيمي از استنادهاي مجله EE مربوط به كتابها، گزارشها و اسناد و مدارك دولتي بوده است. نيم عمر استنادها در مجلة JEEM  7/9 و در مجله EE  4/7 بود و مطالب اين دو نشريه همپوشاني زيادي داشتند؛ به طوري كه 53 نشريه اصلي مشخص شده بر اساس استنادهاي اين دو نشريه، با هم برابر بود و تنها 6 عنوان مجله در استنادهاي JEEM ظاهر نشده بود. مجله EE در مقايسه با مجله JEEM  خود استنادي زيادي داشت، اما استنادهاي مقالات مجله JEEM  بيشتر به 10 مجله برتر فهرست ISI  بوده است.

«هاتچيسون»[[13]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn13" \o ")، «وايت»[[14]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn14" \o ") و «دايگل»[[15]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn15" \o ") (2004) ضمن تحليل استنادي 10 شماره اول از دو مجله " Advance in Accounting Information System "و مجله "International Journal of Accounting Information System" آمريكا را در قالب 126 مقاله ( 99 مقاله اصلي، 20 مصاحبه و گفتگو، 5 سر مقاله، 2 مقاله معرفي همايشها و كنگره‌ها) بررسي كردند. در بين دانشگاهها، دانشگاه «نيو مكزيكو»[[16]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn16" \o ") با انتشار 6 مقاله در صدر و دانشگاه «فلوريدا» [[17]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn17" \o ") با 5 مقاله و دانشگاههاي «ميشگان» [[18]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn18" \o ") و دانشگاه «آريزونا» [[19]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn19" \o ")با انتشار50/4 و 4 مقاله در رتبه هاي بعدي قرار داشتند. محققان، علاوه بر موارد فوق، دانشگاه محل تحصيل مؤلفان را نيز بررسي كرده بودند. داده‌ها نشان داد دانش‌آموختگان دانشگاه ميشگان در صدر و دانش‌آموختگان دانشگاههاي «كارولينا» [[20]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn20" \o ") و دانشگاه «آركانزاس»[[21]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn21" \o ") در   رتبه‌هاي بعدي بودند. محققان، استنادهاي مقالات را در دو بخش جداگانه خود استنادي [[22]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn22" \o ") و استناد به مقالات مجلات ديگر مطالعه كردند و دريافتند كه 40 مقاله مختلف، 77 بار به مقالات خود اين مجلات استناد كرده بودند. به عبارت ديگر، 40% از 99 مقالة اصلي مورد بررسي، به خود استناد كرده بودند. آنها در پايان، 5 مقاله و 5 مجله هسته‌اي اين رشته را معرفي كرده بودند.

**ب) در داخل كشور**

خوشبختانه تحقيقات تحليل استنادي در ايران، بسيار گسترده بوده و پا به پاي تحقيقات خارجي پيش رفته است. سير مطالعاتي اين تحقيقات نشان مي‌دهد كه تحليل استنادي مجلات، بخصوص مجلات علمي و پژوهشي، كمتر مورد توجه بوده است. علت اين بي توجهي را مي‌توان محدود بودن انتشار اين‌گونه مجلات به دانشگاهها و مراكز پژوهشي و عدم توجه اين نشريات به رعايت فاصله انتشاراتي تعيين شده، بيان كرد. بي نظمي اين نشريات از نظر فاصله انتشاراتي و يا انتشار يك يا دو شماره از آن در طول سال، خود به خود اين نشريات را از كانون توجه خارج كرد.آغاز سياستهاي پژوهشي جديد در سالهاي اخير، توجه و تشويق محققان به انجام فعاليتهاي تحقيقاتي و انتشار مقالات در مجلات علمي معتبر و پرداخت پاداش در قبال مقالات چاپ شده، مجدداً اين نشريات را در كانون توجه قرار داده و مسئولان اهتمام جدي‌تري به رعايت فاصله انتشاراتي معيّن شده و افزايش كيفيت مجله‌ها دارند. تحقيقات استنادي بر روي مقاله‌هاي اين‌گونه مجلات نيز مدتي است آغاز شده. به طور كلي، مطالعات تحليل استنادي را در ايران مي‌توان به سه دسته زير تقسيم كرد:

1. تحقيقاتي كه به تحليل استنادي پايان‌نامه‌هاي كارشناسي ارشد و يا دكتري پرداخته‌اند. در اين زمينه تحقيقات متعددي انجام شده است كه از نمونه هاي بارز آنها مي‌توان به «شفيعي» ( 1365)، «جاهد» (1373)، «فخاري» ( 1373)، «پورشعرباف» (1375)، «آژيده» (1378)، «هراتي» (1378)، «مهراد» و «كريميان مزيدي» ( 1381)، «كريمي» (1382)، «مظفري غربا»، «فدايي عراقي»، «حري»( 1384) و ... اشاره كرد. با توجه به گستردگي تحقيقات اين حوزه، از ذكر جزئيات خودداري مي‌كنيم.

2. تحقيقاتي كه مقالات نشريات ادواري مختلف را تحليل استنادي كرده‌اند. از نمونه‌هاي اين تحقيقات مي‌توان به «عصاره» ( 1365)، «محمدزاده» (1376)، «بني‌هاشمي» (1364)، «رياحي‌نيا» (1375)، «اشتري» (1380) و ... اشاره كرد. با توجه به عمومي بودن اين تحقيقات و ارتباط كمتر آنها به موضوع تحقيق،  از ارائه توضيحات مبسوط تر دربارة آنها خودداري كرديم.

3. تحقيقاتي كه مقالات مندرج در يك نشرية خاص را تحليل استنادي كرده‌اند. با توجه به ارتباط مستقيم اين تحقيقات به نوشته حاضر، به چند نمونه از آنها اشاره مي‌كنيم.

«زندي» (1378) با «بررسي استنادي مجله علوم اجتماعي و انساني دانشگاه شيراز بين سالهاي 1375-1366» دريافت كه در دوره ده‌ساله مجله كلاً 1882 استناد به كار رفته كه از اين تعداد، 444 مورد (24/24%) به مجلات خارجي و 164 مورد (99/8%) به مجلات فارسي استناد كرده اند.از 1217 استناد مربوط به كتابها 592 مورد(47/32%) را كتابهاي خارجي، 494 مورد ( 09/27%) را كتابهاي فارسي و 131 مورد (18/7%) را كتابهاي عربي، پايان‌نامه‌ها و مقالات كنفرانس به خود اختصاص داده بودند. تعيين نيم عمر منابع نشان داد كه بيشترين استنادها به منابع نسبتاً جديد با فاصله زماني 5 تا 10 سال تعلق داشت.

«تيمورخاني» (1381) با تحليل استنادي 198 مقاله و 1730 استناد 44 شماره از مقالات فصلنامه كتاب (از آغاز تا پايان سال 1379) دريافت كه80/54% از مقالات، تأليفي، 64/4% نقد، 01/18% گزارش و 27/23% ترجمه‌اي بودند. ميانگين استنادهاي هر مقاله 10 مورد گزارش شده است. نشريات ادواري انگليسي 427 مورد، كتابهاي انگليسي 405 مورد و كتابهاي فارسي 400 مورد از استنادها را به خود اختصاص داده بودند.زبان 50% از استنادها فارسي و 50% انگليسي گزارش شده است. در تعيين نيم عمر، منابع الكترونيكي با 3 ماه و پايين‌ترين و كتابها با 7 سال و 11 ماه، بالاترين مدت را داشتند. تعيين نوع محملهاي به كار رفته نشان داد كه 61/48% (841 مورد) به كتاب، 71/39% (687 مورد)به نشريات ادواري، 05/7% (122 مورد)به پايان‌نامه‌ها، 10/1% (19 مورد)به منابع الكترونيكي و 35/3% (61 مورد) به ساير منابع استناد كرده اند. فصلنامه «پيام كتابخانه» با 42 مورد، فصلنامه «كتاب» با 34 مورد،"Information Science Journal of American Society of "   با 23 مورد و "Scientometric " با 18 مورد، «اطلاع‌رساني» با 18 مورد و «نشر دانش» با 18 مورد، جزء نشريات هسته رشته كتابداري و اطلاع‌رساني به شمار مي‌روند. در ميان كتابها، «اصطلاحنامه كتابداري» با 15 مورد، «مروري بر اطلاعات و اطلاع‌رساني» با 11 مورد، «گزيده مقالات ايفلا 95 » با 10 مورد و «سرعنوان‌هاي موضوعي فارسي» با 8 مورد استناد، جزء پر بسامدترين كتابها بودند.

شهرياري و عصاره ( 1382) در تحليل استنادي 125 مقاله داراي مآخذ و 1330 استناد نشريه علوم اطلاع‌رساني بين سالهاي 1351 – 1381 دريافتند كه 266 مقاله در طول سالهاي 1351-1381 چاپ شد كه 159 مقاله (8/59%) تأليفي و 107 مقاله ( 2/40%) ترجمه‌اي بودند.42/8 ميانگين استناد در هر مقاله گزارش شده است. 4/86% از مقالات را يك نفر و 6/13% را دو يا چند نفر نوشته‌اندكه 1/70% مؤلفان، مردان و 9/29% زنان هستند. نوع محملهاي اطلاعاتي نشان داد 41% به كتاب، 5/33% به نشريات ادواري و 7/10% به منابع الكترونيكي استناد كرده بودند. زبان 3/60% از استنادها انگليسي و 2/36% فارسي بوده است. گزارشها با 9 سال و 7 ماه، بيشترين و يادداشتهاي شخصي با 6 ماه، كمترين نيم عمررا به خود اختصاص داده بود. كتابها با 8 سال و 4 ماه و طرحهاي پژوهشي با 5 سال و 4 ماه در رتبه‌هاي بعدي قرار داشتند. مجله‌هاي اطلاع‌رساني،    "Journal of American Society for Information Science" و"Journal of Documentation"، «فصلنامه كتاب»، «پيام كتابخانه» و "Journal of InformationScience " به ترتيب «مجلات هسته» و «عباس حري»، «محمدنقي مهدوي»، «مهرانگيز حريري» و «پوري سلطاني» به ترتيب، نويسندگان هسته اين تحقيق بودند.

حري و نشاط (1381) به منظور تحقق چهار هدف «تعيين نوع منابع مورد استناد و چگونگي توزيع آنها»، «تشخيص زبان غالب در مآخذ مورد استفاده مقالات»، «كشف فاصله زماني ميان تاريخ نشر مآخذ و تاريخ نشر مقالات» و «كشف رفتار استنادي نويسندگان مقالات مجله روان شناسي و علوم تربيتي دانشگاه تهران از آغاز تا پايان سال 1379»، در تحقيقي با استفاده از روش تحليل استنادي، 179 مقاله تأليفي و 2462 استناد آنها را مورد ارزيابي قرار داده، دريافتند كه متوسط استناد هر مقاله 7/13 بوده و سالانه 5/8 مقاله تأليفي در مجله درج شده است. يافته‌هاي آنها نشان داد كه كتابها 55% و مقالات 8/37% از استنادها را به خود اختصاص داده‌اند. لذا نويسندگان مقالات، بيشتر، كتاب مدار بوده و يافته‌ها 6/12 سال نيم عمر براي كتابها، 12 سال براي مقالات و 3/6 سال را براي پايان‌نامه‌ها نشان دادند.

مطالعاتي كه در پيشينه پژوهش به آنها اشاره كرديم، نشان مي‌دهند كه در ايران درباره تحليل استنادي، تحقيقهاي فراواني انجام گرفته است، اما تحقيقات استنادي مقالات مربوط به يك مجله، در مقايسه با تحليلهاي استنادي ديگر، سابقه كمتري دارد. نكته حايز اهميت، پيشتاز بودن تحليل استنادي مجله‌هاي كتابداري در مقايسه با ساير نشريات است، به طوري كه از 4 يا 5 مجله تخصصي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، 2 عنوان بررسي شده است. تحقيق حاضر نيز خلأ ارزيابي يكي ديگر از مجلات تخصصي كتابداري را پر مي‌كند.

**تجزيه و تحليل داده‌ها**

 در پاسخ به سؤال اول تحقيق درباره «ميزان مقاله‌هاي تأليفي و ترجمه‌اي و ميانگين تعداد استنادهاي مقاله‌ها» داده‌ها نشان داد كه در 30 شماره مجله كتابداري و اطلاع‌رساني، 219 مقاله منتشر شده است. براساس داده‌هاي جدول شماره 1، سالهاي 1378 و 1381 با انتشار 33 مقاله، بيشترين و سالهاي 1376 و 1384 با 6 و 14 مقاله، كمترين تعداد مقالات منتشر شده را داشتند. علت پايين بودن تعداد مقالات سال 1376 آغاز انتشار مجله از پاييز 1376 است كه فقط يك شماره منتشر شده و شماره 30 نيز با تابستان 1384 مصادف بوده و فقط دو شماره منتشر شده است.

**جدول1. فراواني مقالات به ترتيب سال انتشار**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نوع مقاله سال** | **مقاله‌هاي تأليفي** | | **مقاله‌هاي ترجمه‌اي** | | **جمع** | |
| **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** |
| 1376 | 5 | 3 | 1 | 9/1 | 6 | 7/2 |
| 1377 | 10 | 6 | 6 | 1/11 | 16 | 3/7 |
| 1378 | 21 | 7/12 | 12 | 2/22 | 33 | 1/15 |
| 1379 | 22 | 3/13 | 9 | 7/16 | 31 | 1/14 |
| 1380 | 21 | 7/12 | 7 | 9/12 | 28 | 8/12 |
| 1381 | 28 | 17 | 5 | 2/9 | 33 | 1/15 |
| 1382 | 20 | 1/12 | 6 | 1/11 | 26 | 9/11 |
| 1383 | 26 | 8/15 | 6 | 1/11 | 32 | 7/14 |
| 1384 | 12 | 4/7 | 2 | 8/3 | 14 | 3/6 |
| **جمع** | 165 | 100 | 54 | 100 | 219 | 100 |

به طور كلي، ميانگين مقالات منتشر شده در 30 شماره 3/7 است. در اين بخش، بين تعداد مقاله‌هاي منتشر شدة نشريه كتابداري و اطلاع‌رساني و نشريه علوم تربيتي و روانشناسي اختلاف وجود دارد زيرا ميانگين مقاله‌هاي منتشر شده آن مجله براي هر سال، 5/8 مقاله گزارش شده است (حري و نشاط، 1381،ص 11). با توجه به افزايش تعداد دانش‌آموختگان رشته علوم كتابداري و اطلاع‌رساني در سطوح تحصيلات تكميلي دكتري و كارشناسي ارشد و محدوديت مجله‌هاي تخصصي، به نظر مي‌رسد اين ميانگين پايين است و افزايش تعداد مقالات ضروري است. در زمينه تناسب مقالات تأليفي و ترجمه‌اي از 219 مقاله منتشر شده، 165 (3/75%) مورد، مقاله تأليفي و 54 (7/24) مورد، مقاله ترجمه‌اي بوده است كه در نمودار شماره 1 نشان داده شده است. در زمينه نسبت كم مقاله‌هاي ترجمه‌اي در مقايسه با مقاله‌هاي تأليفي بين كتابداري و اطلاع‌رساني و فصلنامه كتاب، شباهتهايي وجود دارد ( تيمورخاني، 1381، ص39). در اين قسمت، مقالات ترجمه‌اي ارزيابي نشدند. توجه به مقالات تأليفي در برابر مقالات ترجمه‌اي، اصلي است كه گردانندگان اين مجله از آغاز به آن توجه داشتند، زيرا برخي از متخصصان معتقدند رفتن به سوي ترجمه از اعتبار مجله هنگام ارزش‌گذاري كم مي‌كند و اين مسئله خود به خود، مجلات را به سوي مطالب تأليفي سوق مي‌دهد (حري، 1384،ص17).

 در پاسخ به سؤال دوم تحقيق درباره «توزيع فراواني مؤلفان بر اساس جنسيت» گفتني است كه 151 نفر از نويسندگان مقالات، مرد و 47 نفر، زن بودند كه در نمودار شماره 2 نشان داده شده است. حضور زنان محقق حوزه كتابداري در مقالات اين نشريه كمتر از 30% بوده است. با توجه به افزايش نسبت زنان دانش آموخته اين رشته در مقايسه با مردان، انتظار مي‌رود ميزان مشاركتشان نيز در انتشار مقالات افزايش يابد. در مورد ميزان حضور كم‌رنگ زنان در مقايسه با مردان، بين يافته‌هاي اين تحقيق و شهرياري و عصاره همخواني وجود دارد. آنها نيز ميزان حضو ر زنان را 9/29% گزارش كرده‌اند (شهرياري و عصاره، 1382، ص5).

 در پاسخ به سؤال سوم تحقيق درباره «توزيع فراواني مقالات بر اساس فردي و گروهي بودن آنها»، داده‌ها نشان داد كه 198 نفر محقق در نوشتن مقالات همكاري داشتند كه تفكيك جنسيتي و ميزان مشاركت آنها در جدول شماره 2 نشان داده شده است. بر اساس داده‌ها، از 165 مقاله تأليفي، 134 مقاله (2/81%) را يك نفر و 29 مقاله (6/17%) را دو نفر و 2 مقاله (2/1%) را سه پديدآور نوشته‌اند. در اين بخش از يافته‌ها بين نتايج تحقيق حاضر و يافته‌هاي شهرياري و عصاره همخواني وجود دارد. آنها نيز گزارش كرده بودند كه 4/86% از مقاله‌ها را يك پديد آور تدوين كرده بود (شهرياري و عصاره، 1382، ص4).

**جدول2. فراواني نويسندگان مقاله‌ها بر اساس جنسيت**

**و ميزان مشاركت آنها در تأليف مقاله‌هاي گروهي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **پديدآور**  **سال** | **يك ‌نويسنده‌اي** | | | **دو ‌نويسنده‌اي** | | | **سه ‌نويسنده‌اي** | | |
| **تعداد مقاله** | **مرد** | **زن** | **تعداد مقاله** | **مرد** | **زن** | **تعداد مقاله** | **مرد** | **زن** |
| 1376 | 5 | 5 | - | - | - | - | - | - | - |
| 1377 | 10 | 7 | 3 | - | - | - | - | - | - |
| 1378 | 20 | 18 | 2 | 1 | 1 | 1 | - | - | - |
| 1379 | 21 | 12 | 9 | - | - | - | 1 | 3 | - |
| 1380 | 19 | 14 | 5 | 2 | 3 | 1 | - | - | - |
| 1381 | 20 | 15 | 5 | 7 | 10 | 4 | 1 | 2 | 1 |
| 1382 | 14 | 12 | 2 | 6 | 8 | 4 | - | - | - |
| 1383 | 19 | 17 | 2 | 7 | 11 | 3 | - | - | - |
| 1384 | 6 | 3 | 3 | 6 | 10 | 2 | - | - | - |
| **جمع** | 134 | 103 | 31 | 29 | 43 | 15 | 2 | 5 | 1 |

محققان در سالهاي اخير به تحقيقات گروهي روي آورده‌اند، ولي هنوز تا رسيدن به مرزهاي مطلوب فاصله دارد. به طور كلي، 33 مقاله از 165 (20%) مقاله‌ منتشر شده در اين نشريه، از پايان‌نامه استخراج شده‌اند كه 24 مقاله را خود دانشجو استخراج و چاپ كرده و 9 مقاله نيز با همكاري استاد راهنما و دانشجو منتشر شده است. به نظر مي‌رسد تأليفات گروهي بيشتر تحت تأثير مقاله‌هاي پايان‌نامه‌اي بوده است، چنانچه اين مقالات را ناديده بگيريم، كار پژوهشي گروهي چنداني انجام نشده است. اين ميزان عدم مشاركت، در مقالات ترجمه‌اي بيش از مقالات تأليفي است كه در جدول شماره 3 نشان داده شده است. بر اساس داده‌ها 49 مقاله از 53 مقاله ترجمه شده (5/92%) را يك مترجم تهيه كرده و تنها 4 مقاله (5/7%) از مقاله‌ها را دو مترجم تهيه كرده‌اند.

**جدول3. ميزان مشاركت مترجمان در مقاله‌هاي ترجمه‌اي**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **يك مترجم** | **دو مترجم** | **سه مترجم** | **جمع** |
| 1376 | 1 | - | - | 1 |
| 1377 | 6 | - | - | 6 |
| 1378 | 11 | - | - | 11 |
| 1379 | 9 | - | - | 9 |
| 1380 | 7 | - | - | 7 |
| 1381 | 4 | 1 | - | 5 |
| 1382 | 7 | - | - | 7 |
| 1383 | 4 | 2 | - | 6 |
| 1384 | 1 | 1 | - | 2 |
| **جمع** | 50 | 4 | - | 54 |

با در نظر گرفتن درجه علمي ـ ترويجي نشريه و اهتمام اين گونه نشريات به آخرين تحولات و يافته‌ها، اعم از نظري و پيمايشي، ارزيابي نوع مقالات منتشر شده نشان داد 104 مقاله (63%) از 165 مقاله منتشر شده، مقاله‌هاي نظري و 61 مقالة (37%) باقيمانده، مقاله‌هاي پيمايشي هستند. اين تركيب، در نمودار شماره 3 به خوبي نشان داده شده است.

 استفاده از افراد متخصص در تأليف مقاله‌ها، معيار ديگري بود كه بررسي شد. ميزان مشاركت تمام سطوح تحصيلي متخصصان رشته در تأليف مقالات در طول ساليان متفاوت، تحليل شده و نتايج آن در جدول شماره 4 ارائه شده است. مطابق داده‌ها، 74 مقاله (4/37%) را دارندگان مدرك كارشناسي ارشد و 63 مقاله (8/31%) را دارندگان مدرك دكتري تدوين كرده‌اند. دارندگان مقطع كارشناسي و دانشجويان دكتري به ترتيب با توليد 1/12% و 6/7% در رتبه‌هاي بعدي قرار گرفتند. اطلاعات مربوط به سطوح تحصيلي 1/10% از نويسندگان نيز مشخص نشده بودند. ارزيابي اطلاعات، از تلاش دانش‌آموختگان مقطع كارشناسي ارشد در تأليف بيشتر مقاله‌ها حكايت دارد، اما با توجه به كم بودن دارندگان مدرك دكتري در ايران در مقايسه با انبوه دانش‌آموختگان كارشناسي ارشد اختلاف 6/5% اختلاف ناچيزي است و نشان مي‌دهد كه دارندگان مدرك دكتري در توليد مقالات اين حوزه همچنان فعال هستند.

**جدول4. سطوح تحصيلي نويسندگان مقالات به تفكيك سال**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **مدرك**  **سال** | **كارداني** | **كارشناسي** | **كارشناسي ارشد** | **دانشجوي دكتري** | **دكتري** | **نامشخص** | **جمع** |
| 1376 | - | - | 1 | - | 4 | - | 5 |
| 1377 | - | 2 | 2 | - | 5 | 1 | 10 |
| 1378 | - | 1 | 10 | - | 9 | 2 | 22 |
| 1379 | - | 3 | 15 | - | 4 | 2 | 24 |
| 1380 | - | 2 | 12 | - | 5 | 4 | 23 |
| 1381 | 2 | 13 | 9 | 5 | 7 | 1 | 37 |
| 1382 | - | - | 6 | 3 | 16 | 1 | 26 |
| 1383 | - | - | 12 | 6 | 9 | 6 | 33 |
| 1384 | - | 3 | 7 | 1 | 4 | 3 | 18 |
| **جمع** | 2 | 24 | 74 | 15 | 63 | 20 | 198 |

در تجزيه وتحليل سؤال 4 تحقيق درباره «ميزان استفاده از انواع محملهاي اطلاعاتي» و سؤال 5 درباره «توزيع استنادهاي مورد بررسي از نظر زبان» مشخص شد كه از 165 مقاله تأليفي، 18 مقاله بدون استناد بودند كه در تجزيه و تحليل لحاظ نشده اند. در 147 مقاله تأليف شده، كلاً به 1748 سند استناد شده بود كه ميانگين استناد براي هر مقاله 9/11 است. در مقايسة يافته‌هاي اين تحقيق با يافته‌هاي تحقيقات تيمورخاني و شهرياري كه دو مجله هسته علوم كتابداري و اطلاع‌رساني را تحليل استنادي كردند نشان داده شد، كه فصلنامه «كتابداري و اطلاع‌رساني» در مقايسه با فصلنامه «كتاب» و «اطلاع‌رساني» وضعيت بهتري دارد، زيرا ميانگين استنادهاي فصلنامة «كتاب» 10 مورد براي هر مقاله (تيمورخاني، 1381، ص39) و ميانگين استنادهاي مجله اطلاع‌رساني 42/8 مورد براي هر مقاله گزارش شده است (شهرياري و عصاره، 1382، ص2). جزئيات بيشتر اطلاعات استنادها در جدول شماره 5 نمايش داده شده‌اند.

**جدول5. فراواني استنادهاي مقاله‌هاي بر اساس انواع محملهاي اطلاعاتيو زبان آنها**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **زبان**  **محمل اطلاعاتي** | **زبان فارسي** | | **زبان لاتين** | | **جمع** |  |
| **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** |
| كتاب | 403 | 4/46 | 214 | 3/24 | 617 | 5/34 |
| مقاله‌هاي مجلات | 268 | 7/30 | 459 | 2/52 | 726 | 42 |
| مقاله‌هاي سمينار و روزنامه | 26 | 3 | 39 | 4/4 | 65 | 7/3 |
| طرح هاي تحقيقاتي | 16 | 8/1 | - | - | 16 | 1 |
| پايان‌نامه | 144 | 6/16 | 10 | 1/1 | 154 | 8/8 |
| اينترنت | - | - | 125 | 3/14 | 125 | 2/7 |
| ساير منابع اطلاعاتي | 13 | 5/1 | - | - | 13 | 1 |
| نامشخص | - | - | 32 | 7/3 | 32 | 8/1 |
| **جمع** | 870 | 100 | 879 | 100 | 1748 | 100 |

بر اساس داده‌هاي جدول شماره 5، مقاله‌ها در بين ساير محملهاي اطلاعاتي، 42% از استنادها را به خود اختصاص داده و در رتبه اول قرار دارند كه حاكي از مقاله محور بودن نويسندگان مقاله‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني مي باشد.كتابها با 34% و پايان‌نامه‌ها با 8/8% در رتبه هاي بعدي قرار دارند. در اين زمينه يافته‌هاي تحقيق حاضر با يافته‌هاي تيمورخاني و شهرياري تفاوت داشته زيرا يافته‌هاي آنها نشان داده بود مقاله‌ها در مقايسه با كتابها در رتبه دوم قرار دارند (تيمورخاني، 1381، ص2؛ شهرياري و عصاره، 1382، ص5).

برابر داده‌هاي جدول شمارة 5، از مجموع 1748 استناد به كار رفته 869 مورد (7/49%) به زبان فارسي و 879 مورد (3/50%) به زبان لاتين استناد كرده اند (نمودار شماره 5). در مورد بالابودن ميزان استناد به منابع لاتين در مقايسه با منابع فارسي، بين يافته‌هاي اين تحقيق و تحقيق تيمورخاني، همخواني وجود دارد، زيرا در تحقيق وي نيز زبان انگليسي با اختصاص 50% از استنادها در مقايسه با زبان فارسي و ساير زبانها در رتبه نخست قرار داشت (تيمورخاني، 1381،ص41). با توجه به داده‌هاي موجود، ميزان استناد به منابع لاتين بيشتر از منابع فارسي بوده، اما اين اختلاف چندان قابل توجه نبوده است. به نظر مي‌رسد افزايش منابع انتشاراتي به زبان فارسي در سالهاي اخير و وفور منابع فارسي باعث شده كه ميزان استناد به منابع فارسي در مقايسه با منابع لاتين اختلاف اندكي داشته باشد.

**نمودار4.  فراواني زبان منابع مورد استناد**

**جدول6. فراواني استنادها بر اساس سال نشر منابع مورد استفاده فارسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **محمل اطلاعاتي**  **سال نشر** | **كتاب** | **مقاله** | **مقاله روزنامه و سمينار** | **پايان‌نامه** | **طرح تحقيقاتي** | **ساير منابع** | **جمع** |
| قبل از سال 1330 | 1 | - | - | - | - | - | 1 |
| 1335-1330 | - | - | - | - | - | - | - |
| 1340-1336 | - | - | - | - | - | - | - |
| 1345-1341 | 2 | - | - | 1 | - | - | 3 |
| 1350-1346 | 5 | - | - | - | - | - | 5 |
| 1355-1351 | 15 | 6 | - | 7 | 1 | - | 29 |
| 1360-1356 | 18 | 14 | - | 9 | - | - | 41 |
| 1365-1361 | 27 | 2 | - | 1 | 1 | 1 | 32 |
| 1370-1366 | 57 | 13 | 1 | 11 | - | 1 | 83 |
| 1375-1371 | 101 | 77 | 5 | 50 | 4 | 1 | 238 |
| 1380-1376 | 145 | 123 | 16 | 63 | 9 | 8 | 364 |
| 1385-1381 | 19 | 23 | 3 | 2 | 1 | 2 | 50 |
| بي تا | 13 | 9 | 1 | - | - | - | 23 |
| **جمع** | 403 | 267 | 26 | 144 | 16 | 13 | 869 |

**جدول7. فراواني منابع لاتين بر اساس سال نشر**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **محمل اطلاعاتي**  **سال نشر** | **كتاب** | **مقاله** | **مقاله روزنامه و سمينار** | **پايان‌نامه** | **اينترنت** | **جمع** |
| 1940-1935 | 1 | - | - | - | - | 1 |
| 1945-1941 | 1 | 1 | - | - | - | 2 |
| 1950-1946 | 3 | 1 | - | - | - | 4 |
| 1955-1951 | 1 | 1 | - | - | - | 2 |
| 1960-1956 | 1 | - | - | - | - | 1 |
| 1965-1961 | 9 | 6 | - | 1 | - | 16 |
| 1970-1966 | 10 | 13 | - | - | - | 23 |
| 1975-1971 | 16 | 12 | 1 | - | - | 29 |
| 1980-1976 | 16 | 24 | 1 | 1 | - | 42 |
| 1985-1981 | 23 | 32 | 3 | 2 | - | 60 |
| 1990-1986 | 25 | 50 | - |  | 2 | 76 |
| 1995-1991 | 48 | 93 | 11 | 2 | 4 | 158 |
| 2000-1996 | 44 | 168 | 20 | 4 | 39 | 275 |
| 2005-2001 | 11 | 50 | 3 | - | 54 | 117 |
| بي تا | 5 | 8 | - | - | 26 | 39 |
| **جمع** | 214 | 459 | 39 | 10 | 125 | 845 |

دربارة سؤال 6 تحقيق در مورد «تعيين نيم عمر منابع مورد استناد» اطلاعات جدول شماره 6 (مربوط به منابع فارسي) و جدول شماره 7 (مربوط به منابع لاتين) تهيه شده است. براي تعيين نيم عمر منابع مورد استناد، از فرمول «سن» [[23]](http://192.168.0.110/editor/main.htm" \l "_ftn23" \o ")(سن، 1379، ص 130) استفاده شده است. وي براي تعيين نيم عمر از فرمول (T=Y+y) استفاده كرده است. در بيشتر مواقع، مقدار زماني نيم عمر، عدد صحيح از مجموع سالها و كسري از يك سال است؛ لذا در اين فرمول، حرف T به معناي نيم عمر، Y مجموعه‌اي از سالها وy كسري از سال است. براي تعيين مقدار صحيح نيم عمر از فرمول زير استفاده شده است:

]1+ (سال فرعي بحراني)- ( سال مبناY= [(

مقدار اعشاري نيم عمر نيز از فرمول زير به دست مي‌آيد:

y= a-b/c-b

كه در اين فرمول، a نيمي از استنادها، b  فراواني تجمعي استنادهاي سال فرعي بحراني و c فراواني تجمعي استنادهاي سال بحراني است. با قرار دادن مقادير دو فرمول ذكر شده در بالا، مقدار نيم عمر از فرمول زير به دست مي‌آيد:

c-b] / a-b ] + [ 1) + سال فرعي بحراني) – (سال مبنا) [= T

با توجه به فرمول بالا، سال مبنا آخرين سال مورد استناد در منابع و سال بحراني، سالي است كه از سال مبنا تا آن، نيمي از متون مؤثر استفاده شده باشد (كريمي، 1382، ص67). پس از تجزيه و تحليل داده‌هاي جدولهاي شماره 6 و 7، مشخص شد كه كتابهاي لاتين با 14 سال و 2 ماه، داراي بيشترين و منابع اينترنتي با 4 سال و 5 ماه كمترين عمر استناد را دارند. كتابهاي فارسي با 9 سال و 5 ماه، مقاله‌هاي لاتين با 8 سال و 6 ماه، پايان‌نامه‌هاي فارسي با 7 سال و 7 ماه و مقاله‌هاي فارسي با 7 سال و 4 ماه در رتبه هاي بعدي قرار داشتند. آنچه در اين مورد گفتني است، بالا بودن نيم عمر منابع لاتين در مقايسه با منابع فارسي است. علت آن را بايد در عدم تسلط محققان به زبان انگليسي و عدم دسترسي آسان به منابع جديد لاتين دانست. در مورد پايين بودن نيم عمر منابع اينترنتي در مقايسه با ساير منابع، بين يافته‌هاي اين تحقيق و تحقيق تيمورخاني همخواني وجود دارد (تيمورخاني، 1381، ص44).

در پاسخ به سؤال 7 تحقيق مبني بر اينكه «پر استفاده ترين منابع كدام هستند» و سؤال 8 در اين مورد كه «پركارترين نويسندگان چه كساني هستند؟» بايد گفت كه در بين كتابهاي فارسي به 5 كتاب زير در ميان كتابهاي فارسي بيش از همه استفاده مي‌شود:

|  |  |
| --- | --- |
| **1. سلطاني، پوري و راستين فروردين: دانشنامه كتابداري و اطلاع‌رساني (با احتساب دو ويرايش مختلف)** | **8 بار** |
| **2. موكهرجي، ا.ك.ه: تاريخ و فلسفه كتابداري. ترجمه اسدالله آزاد** | **7 بار** |
| **3. كومار، كريشان: روشهاي پژوهش در كتابداري و اطلاع‌رساني، ترجمه فاطمه رهادوست و فريبرز خسروي** | **7 بار** |
| **4. گزيدة مقالات ايفلا 96 (چين 25-31 اوت 1996)، زير نظر عباس حري** | **6 بار** |
| **5. پائو، ميراندا لي: مفاهيم بازيابي اطلاعات، ترجمة اسدالله آزاد و رحمت الله فتاحي** | **6 بار** |

كتابهاي «روشهاي تحقيق در كتابداري» و «مجموعه‌سازي و فراهم‌آوري در كتابخانه‌ها» نوشته محمدحسين دياني و «مباني فلسفه كتابداري آموزشي» تأليف «جان. م. كرايست» با ترجمه اسدالله آزاد با فراواني 5 بار در رتبه‌هاي بعدي قرار داشتند. با در نظر گرفتن فراواني كليه آثار يك پديدآور، عباس حري با 21 مورد استناد و محمدحسين دياني با 19 مورد، پراستنادترين پديدآورندگان به شمار مي‌روند. در زمينه قرار گرفتن «دانشنامه كتابداري» در صدر كتابهاي پربسامد بين يافته‌هاي اين تحقيق و تيمورخاني همخواني وجود دارد(تيمورخاني، 1381، ص44). دكتر عباس حري در يافته‌هاي شهرياري نيز جزء پر بسامدترين نويسندگان به شمار مي‌رفت (شهرياري؛عصاره، 1382، 2).

در بين كتابهاي لاتين به كتاب Information technology and the remaking of the university library  با 3 مورد استناد، بيش از همه استناد شده است.

در مقاله‌هاي فارسي، مقاله‌هاي زير به ترتيب 5 مقاله پر استناد شناخته شدند.

|  |  |
| --- | --- |
| **1. دياني، محمد حسين: حجم نمونه در پژوهش‌هاي پيمايشي** | **9 مورد استناد** |
| **2. دياني، محمدحسين، برنامه آموزش دوره كارشناسي كتابداري و اطلاع‌رساني.** | **6 مورد استناد** |
| **3. فتاحي، رحمت الله: الگويي براي بازنگري و تجديد ساختار آموزش هاي كتابداري و ...** | **6 مورد استناد** |
| **4. دياني، محمدحسين، كتابسنجي** | **4 مورد استناد** |
| **5. دياني، محمدحسين. جايگاه منابع اطلاعاتي در فرايند يادگيري دانشجويان دانشگاه فردوسي** | **3 مورد استناد** |

با احتساب استناد به كلية آثار يك پديد آور، دياني با 36، فتاحي با 11، حري با 7، داورپناه با 6 و زهير حياتي با 5 مورد استناد در صدر نويسندگان بخش مقاله‌ها قرار دارند. در مقاله‌هاي خارجي نيز دو مقاله زير با 3 مورد استناد، پراستنادترين مقاله‌ها به شمار مي‌روند:

Sloan, B. Electronic reference services

Sloan, B. Ready to reference: Academic libraries offer live web – based

در پايان‌نامه‌هاي فارسي نيز پايان‌نامه عصاره با عنوان «بررسي وضع استناد در مجلات پزشكي فارسي: مجلات دانشكده هاي پزشكي دانشگاههاي تهران، شهيد بهشتي و مشهد در سالهاي 1356-1354» و پايان‌نامه «ماه سوري برادران ليل‌آبادي» با عنوان «بررسي نيازهاي اطلاعاتي متخصصان قلب و عروق و ريه شهر تبريز» هر كدام با 3 مورد، پراستنادترين پايان‌نامه‌ها معرفي شدند.

در پاسخ به سؤال 9 تحقيق: «مجلات هسته كدام مجلات هستند؟» تجزيه و تحليل داده‌ها مشخص كرد كه مجلات زير به عنوان مجلات هسته فارسي انتخاب شدند:

|  |  |
| --- | --- |
| **1. فصلنامة كتابداري و اطلاع‌رساني** | **44 مورد** |
| **2. فصلنامة كتاب** | **34 مورد** |
| **3. فصلنامة پيام كتابخانه** | **25 مورد** |
| **4. رهيافت** | **14 مورد** |
| **5. اطلاع‌رساني** | **12 مورد** |

در بخش مجلات خارجي نيز مجلات زير به عنوان مجلات هسته اين رشته معرفي شدند

|  |  |
| --- | --- |
| **36** | **1. Journal of American society for information science and technology** |
| **16** | **2. College and research libraries** |
| **16** | **3. Library resource and technical services** |
| **15** | **4. Information process and management** |
| **0** | **5. Journal of Documentation** |

در مورد سؤال 10 تحقيق درباره «گرايش موضوعي مقاله‌ها» در كاربرگ ثبت مشخصات مقاله‌ها، فيلدي جهت تعيين موضوع مورد بحث مقاله نيز اختصاص داده شده بود. براي تقسيم بندي موضوعات، از تقسيم‌بندي LISA Broad Subject Heading  كه در كتاب «چكيده‌نامه پايان‌نامه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني» ( بهزادي و حسين‌نيا، 1379، ص ده ـ شانزده) ارائه شده است، استفاده گرديد. تجزيه و تحليل داده‌ها نشان داد بيشترين مقالات درباره موضوعات زير بودند:

|  |  |
| --- | --- |
| **ـ حرفه كتابداري** | **20 مورد** |
| **ـ تحقيق** | **12 مورد** |
| **ـ خدمات اطلاع‌رساني** | **11 مورد** |
| **ـ تكنولوژي اطلاعات و ارتباطات** | **9 مورد** |
| **ـ ادبيات كودكان و نوجوانان** | **7 مورد** |
| **ـ ذخيره و بازيابي** | **6 مورد** |
| **ـ خدمات مرجع** | **6 مورد** |

البته جاي بسياري از موضوعات نيز در بين نوشته‌ها خالي بود كه قبلاً «كوكبي» (1383، ص10) لزوم پرداختن به آنها را گوشزد كرده بود.

**نتيجه‌گيري و پيشنهادها**

در 30 شماره مجله كتابداري و اطلاع‌رساني 219 مقاله منتشر شده است كه از آنها 165 مقاله (3/75%) تأليفي و 54 مقاله ( 7/24%) ترجمه‌اي بودند كه 198 محقق ( 151 نفر مرد و 47 نفر زن ) در نوشتن اين مقاله‌ها مشاركت داشتند. از 165 مقاله تأليفي 134 عنوان (2/81%) را يك نفر و 29 مقاله (6/17%) را دو نفر و 2 مقاله را نيز سه نفر نوشته بودند. 63% از مقاله‌هاي منتشر شده، مقاله‌هاي نظري و 37% مقاله‌هاي پيمايشي بودند. نويسندگان با مدرك تحصيلي كارشناسي ارشد با انتشار 4/37% مقاله‌ها، در مقايسه با نويسندگان ساير مدارك، بيشترين سهم را در توليد مقالات داشتند. تجزيه و تحليل استنادها نشان داد كه 1748 سند در نوشتن 147 مقاله تأليفي به كار رفته است كه ميانگين 9/11 استناد براي هر مقاله را نشان مي‌دهد. مقاله‌هاي مجلات با اختصاص 42% استنادها به خود، در مقايسه با ساير محملهاي اطلاعاتي نشان داد كه نويسندگان، بيشتر مقاله محور بودند. تركيب منابع فارسي و انگليسي نسبت كاملاً نزديكي دارند، به طوري كه 7/49% از استناد ها به زبان فارسي و 3/50% به زبان لاتين بودند. تعيين نيم عمر محملهاي اطلاعاتي مورد استناد، نشان داد بيشترين نيم عمر با 14 سال و 2 ماه به كتابهاي لاتين و كمترين نيم عمر با 4 سال و 5 ماه به منابع اينترنتي تعلق دارد. كتابهاي فارسي با 9 سال و 5 ماه، مقاله‌هاي فارسي با 7 سال و 4 ماه، مقاله‌هاي لاتين با 8 سال و 6 ماه و پايان‌نامه‌هاي فارسي با 7 سال و 8 ماه در تدوين مقاله‌ها استفاده شده بودند. گرايش موضوعي مقاله‌هاي مورد بررسي نشان داد كه حرفه كتابداري با 20 مقاله و تحقيق با 12 مورد، در صدر موضوعات تحقيقي قرار داشتند. «دانشنامه كتابداري» و «تاريخ و فلسفه كتابداري» و «روشهاي پژوهش در كتابداري و اطلاع‌رساني»، به ترتيب، پراستنادترين كتابها و عباس حري و محمدحسين دياني پراستنادترين نويسندگان بودند. فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني، فصلنامه كتاب، فصلنامه پيام كتابخانه، رهيافت و اطلاع‌رساني، همراه با Journal of American society for information science and technology، College and research libraries، Library resource and technical services  به ترتيب، مجلات هسته فارسي و لاتين علوم كتابداري و اطلاع‌رساني بودند.

   با توجه به يافته‌هاي بالا، افزايش تعداد مقاله‌هاي نشريه به خاطر استقبال بيش از حد محققان و كثرت دانش آموختگان سطوح تحصيلات تكميلي و حركت به سوي كسب درجه علمي ـ پژوهشي ضروري است. اهميت فعاليتهاي گروهي در كيفيت مقاله‌ها، پذيرش مقاله‌هاي تدوين شده با مشاركت چندين محقق، روشي است كه گردانندگان نشريه مي‌توانند از آن طريق فرهنگ فعاليتهاي گروهي را در بين محققان اين حوزه نهادينه كنند. توجه به سبكهاي علمي در انتشار مقاله‌ها و تدوين دستورالعملهاي يكسان و اعمال آنها در همه مقالات، روشي است كه در حل مشكلات مطرح شده در بخش محدوديتهاي پژوهش، كار ساز بوده و باعث يكدستي منابع و مآخذ مقاله‌هاي نشريه خواهد شد.

**منابع**

ـ آژيده، باهره (1378). «تحليل استنادي مآخذ پايان‌نامه‌هاي كارشناسي ارشد زبان و ادبيات فارسي دانشكده ادبيات دانشگاه تهران (1376-1370)»، پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه تهران.

ـ اشتري، مه لقا (1380). «تحليل استنادي مقالات فلسفي فارسي طي سال‌هاي 1370-1377». فصلنامه كتاب، 12، 2، تابستان: 8-22.

ـ امير حسيني، مازيار( 1371). «كتابسنجي و اطلاع سنجي»، فصلنامه كتاب، 3، 1-4، بهار ـ زمستان: 183- 209.

ـ بني هاشمي، ميترا (1364). «تجزيه و تحليل استنادهاي مقالات در برخي نشريات ادواري پزشكي فارسي». پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده مديريت و اطلاع‌رساني پزشكي.

ـ پورشعرباف، الهه (1375). «تحليل استنادي مآخذ پايان‌نامه‌هاي فارغ التحصيلان دانشكده علوم پايه دانشگاه تربيت مدرس در سالهاي 1367- 1374». پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري، دانشكده علوم انساني، دانشگاه تربيت مدرس.

ـ تيمورخاني، افسانه (1381). «تحليل استنادي مقالات تأليفي فصلنامه كتاب». فصلنامه كتاب، 13، 3، پاييز: 32-45.

ـ جاهد، حسن (1373). «تحليل استنادي مآخذ پايان‌نامه‌هاي دوره دكتراي عمومي دانشكده پزشكي دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي درماني شهيد بهشتي در سال‌هاي 1372- 1368». پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده مديريت و اطلاع‌رساني پزشكي، دانشگاه علوم پزشكي ايران.

ـ حري، عباس (1384). « اين گفتگو پشت پرده ندارد»، خبرنامه انجمن كتابداري و اطلاع‌رساني ايران»، 5، 1، اسفند: 8-21.

ـ ---------- (1372). «تحليل استنادي» در مجموعة مروري بر اطلاعات و اطلاع‌رساني، تهران: دبيرخانه هيئت امناي كتابخانه هاي عمومي كشور.

ـ حري، عباس و نرگس نشاط (1381)، «بررسي رفتار استنادي نويسندگان مقاله‌هاي مندرج در مجله روان شناسي و علوم تربيتي دانشگاه تهران از آغاز تا پايان سال 1379» مجله روانشناسي و علوم تربيتي، 32، 2، پاييز و زمستان: 1-33.

ـ دياني، محمدحسين (1379). «كتابسنجي» در مجموعه مباحث بنياني در كتابداري و اطلاع‌رساني ايران : ده مقاله، مشهد: كتابخانه رايانه‌اي.

ـ رياحي نيا، نصرت (1375)." بررسي ميزان كاربرد نشريات ادواري لاتين در پايان‌نامه‌هاي كتابداري". اطلاع‌رساني، 11، 4، تابستان: 53-60.

ـ زندي، فاطمه (1378). «بررسي استنادي مجله علوم اجتماعي و انساني دانشگاه شيراز در سالهاي 1375- 1366». پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه شهيد چمران اهوز.

ـ سن، بي. كي (1379). «نمادها و فرمولهايي براي چند مفهوم كتاب سنجي». ترجمه محمود سالاري، كتابداري و اطلاع‌رساني، 3، 1، بهار: 129-144.

ـ شفيعي، فريال (1379). " تحليل استنادي مآخذ پايان‌نامه‌هاي فارغ التحصيلان رشته زبان و ادبيات عرب دانشكده ادبيات دانشگاه تهران در سالهاي 1377-1370". . پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه تهران.

ـ شهرياري، پرويز و فريده عصاره. «گزارش نهايي طرح پژوهشي تحليل استنادي مقالات نشريه علوم اطلاع‌رساني (1381-1351)». تهران: مركز اطلاعات مدارك علمي ايران، 1382.

ـ صديق بهزادي، ماندانا و سيمين حسين‌نيا (1379). چكيده نامه پايان‌نامه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني. تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران، مركز اطلاع‌رساني و خدمات علمي جهاد سازندگي.

ـ عصاره، فريده (1365). «بررسي وضع استناد در مجلات پزشكي فارسي: مجلات دانشكده هاي پزشكي دانشگاههاي تهران، شهيد بهشتي و مشهد در سالهاي 1356-1354». پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه تهران.

ـ ---------- (1376). «كتابسنجي». مجله علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه شهيد چمران اهواز، 3، 4، شماره هاي 3-4: 63-74.

ـ --------- (1377). «تحليل استنادي». فصلنامه كتاب، 9، 3-4، پاييز و زمستان: 34- 48.

ـ فخاري، حبيب الله (1373). بررسي استنادهاي پايان‌نامه‌هاي فارغ التحصيلان دانشكده بهداشت دانشگاه تهران در سالهاي 1370- 1358، پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده مديريت و اطلاع‌رساني پزشكي، دانشگاه علوم پزشكي ايران.

ـ كريمي، رضا (1382). «تحليل استنادي پايان‌نامه‌هاي كارشناسي ارشد مرتبط با حضرت امام خميني (س) موجود در مؤسسه تنظيم و نشر آثار حضرت امام خميني». پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه تهران.

ـ كوكبي، مرتضي (1383). «شناسائي برخي نقاط كور تحقيق در كتابداري ايران»، پاپيروس، 5، پاييز و زمستان: 7-10

ـ گارفيلد، يوجين. (1376). «چگونه استناد كنيم؟». ترجمه عبدالحسين فرج پهلو. مجله علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه شهيد چمران اهواز، 3، 4، شماره هاي 1-2: 127-141.

ـ محمدزاده، فاطمه (1376). بررسي وضع استناد در مجلات فارسي كتابداري و اطلاع‌رساني جاري از آغاز نشر تا پايان سال 1374. پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه تهران.

ـ مظفري غربا، رستم و غلامرضا فدايي عراقي و عباس حري. «تحليل استنادي تطبيقي پايان‌نامه‌هاي دكتري شيمي دانشگاه تهران و دانشگاه تربيت مدرس (1383-1376)» كتابداري، 39، 40-44: 15- 43.

ـ مهراد، جفعر و محمدعلي كريميان مزيدي (1381). «تحليل استنادي مآخذ پايان‌نامه‌هاي كارشناسي ارشد آبياري دانشگاههاي شهيد چمران اهواز، تهران، شيراز و فردوسي مشهد (1377-1367)». مجله علوم اجتماعي و انساني دانشگاه شيراز، 19، 1، زمستان : 1-13.

ـ هراتي، طلعت (1379). «تحليل استنادي مآخذ پايان‌نامه‌هاي فارغ التحصيلان رشته مديريت دانشكده مديريت دانشگاه تهران در سالهاي 1374-1376». پايان‌نامه كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه تهران.

- Hutchison, Paul D; White, Craig G; Daigle, Ronald J. (2004) " Advance in Accounting Information Systems & International Journal of Accounting Information Systems: First ten volumes (1992- 2003). International Journal of Accounting Information Systems, vol, 5,No, 3, pp: 341-365

- Ma, Chunbo; Stern, David I. (2005). "Environmental and ecological economic: A citation analysis"   Ecological economics, vol, 58, No, 3, pp: 491-506

- Sharif, Muhammad Ashraf; Mahmood, Khalid. (2004). “How economists cite literature: Citation analysis of two core Pakistani economic journals”. CollectionBuilding, vol.23, No,4, pp: 172-176

- Tiew, W. S (1998) "Journal of Natural Rubber Research, 1987- 1996: Bibliometric study" Iaslic Bulletin, vol, 43, No. 2, pp: 49-57.

1. عضو هيئت علمي گروه كتابداري دانشگاه آزاد اسلامي واحد قم و دانشجوي دوره دكتري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقيقات تهران [mahdi-mohammadi203@yahoo.com](mailto:mahdi-mohammadi203@yahoo.com)

2. كارشناس كتابداري كتابخانه مركزي دانشگاه قم و دانشجوي كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه تربيت مدرس تهران[Motaghy55@yahoo.com](mailto:Motaghy55@yahoo.com)

1. E. Garfield

1. Citation analysis.

2. Bibliometrics.

1. Core Journals.

1. Wai Sin Tiew.

2. Journal of Nature Rubber research.

3. Muhammad Ashraf Sharif.

4. Khalid Mahmood.

1. Chunbo Ma.

2. David .I . Stern.

1. Paul D. Hutchison.

2. Craige G. White.

3. Ronald J. Daigle.

4. The University of New Mexico.

5. University of South Florida.

6. Michigan State University.

7. Arizona State University.

8. University of South Carolina.

9. University of Arkansas.

10. Within Citation.

1. B. K. Sen